



بطلان رویه قضایی و رویه قضایی باطل (بررسی ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری در مقابل شخص ثالث)

تألیف و ترجمه: عبدالله خدابخشی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران

را بازی می‌کند. می‌توان گفت که این حوادث "مهمترین و شایع‌ترین شبه جرمی است که دست کم در نیم قرن اخیر دادگاهها را به خود مشغول کرده است" اصول حاکم بر این حوادث تغییر

۱- مقدمه: اهمیت حقوق حاکم بر حوادث

رانندگی

حوادث ناشی از رانندگی وسایل نقلیه هر روز اتفاق می‌افتد و نقشی بزرگتر از سایر حوادث

یافته و در برخی نظام های حقوقی نظیر کامن لا، به عنوان یکی از انواع افعال زیانبار (Tort) به صورت مستقل بررسی می گردد و حقوق حاکم بر این افعال زیانبار (law of tort) شامل آنها نمی شود. در کشور فرانسه نیز به موجب قانون ۵ ژوئیه ۱۹۸۵ اصول مستقل و جدیدی برای این حوادث تدوین شد که جای مقایسه تطبیقی از سوی قانونگذار ایرانی و پذیرش نکات مثبت آن را دارد. آندره تنک یکی از نویسندگان مشهور در زمینه مسئولیت مدنی می گوید "همانند برخی نویسندگان من معتقدم که قلمرو سنتی tort و حقوق مسئولیت مدنی، می بایست به دو بخش tort law و accident law تقسیم گردد، قسم اول باید از اعمال و رفتار عمدی بحث کند و قسم دوم از تصادف. قانون جدید می بایست مسئولیت مدنی را از تصادفات جدا کند. فصلی که تصادف را در بر می گیرد حداقل شامل حوادث ناشی از کار، حوادث رانندگی و پزشکی می باشد.

به دلیل اهمیت و ویژگی این بخش از مسئولیت مدنی گفته شده است که قواعد عمومی مسئولیت به شکل مرسوم خود در این زمینه قابل اجرا نیست و نتایج نادرستی به بار می آورد. از آنجا که وسایل نقلیه موتوری، امری حیاتی برای زندگی محسوب می شوند و به عبارت دیگر در هر حال راه

خود را از میان اجتماع می گذرانند، این حرکت باید توأم با اصل غرامت باشد تا حقوق دیگران تضییع نشود.

یکی از مهمترین تحولات در این زمینه را می توان به دخالت و حضور نهاد بیمه بازگردانید. با دخالت بیمه، در حوادث رانندگی، دیگر حقوق مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر حکومت ندارد و هدف اصلی به گفته کربنیه نویسنده فرانسوی جبران خسارت و بیمه گر شخصیت اصلی در تحقق خارجی این امر می باشد.

حقوق مسئولیت مدنی با ظهور بیمه دچار تحولات عدیدهای شده است که از جمله می توان اشاره داشت به افول نظریه تقصیر، حذف برخی از عناصر مسئولیت مدنی، اقبال و تشویق قضات به صدور حکم به مهالغ بالای خسارت، تفسیر صد در صد قانون به سود زیان دیدگان، افزایش دعاوی ظهور دعوی مهم در نظام های پیشرفته مسئولیت مدنی به نام "دعوی مستقیم زیان دیده علیه بیمه گر مسئولیت" که در حقوق ایران مورد عنایت رویه قضایی قرار ندارد. از آثار مهم دیگر می توان به وجود و حیات "طرح های تکمیلی پوشش مسئولیت مدنی" اشاره داشت که در کنار نهاد بیمه مسئولیت مدنی، وظیفه جبران خسارت زیان دیدگان را دارد.

۲- طرح‌های تکمیلی پوشش مسئولیت مدنی

در اهمیت این طرح‌ها و صندوق‌های ذخیره برای جبران خسارت اشخاص همین بس که گفته شود اگر حقوق مسئولیت مدنی بدون بیمه، حیات نخواهد داشت، بیمه مسئولیت مدنی نیز بدون این طرح‌ها قادر به ایفای وظیفه خود نخواهد بود. در مواردی که اجرای اصول بیمه برای جبران خسارت اشخاص به دشواری می‌گراید، احساس عمومی بر این است که زیان به نحوی دیگر جبران شود و همین امر ضرورت توسل به طرح‌های تکمیلی بیمه اجباری مسئولین مدنی را آشکار می‌کند. انواع این طرح‌ها در نظام‌های حقوقی عبارتند از:

۲-۱- صندوق جبران زیان‌های ناشی از

عمل مجرمانه

این طرح در سال ۱۹۶۴ در انگلستان تدوین گردید و بهترین طرحی است که جبران خسارت را توسط دولت مقرر می‌کند. این الگو را نمی‌توان نوعی سیستم غیر تقصیری (No-fault) تلقی کرد زیرا زیان جبران شده از آن فقط براساس نقص مقررات جزایی "تجاوز" مقرر شده و بدیهی است در این شبه جرم، تقصیر وجود دارد. در این طرح اشخاصی استفاده می‌کنند که از نظر مسئولیت مدنی نیز استحقاق جبران زیان داشته باشند. با تحولات تازه در این صندوق در سال

۱۹۹۵ اصولی بر آن حاکم شد. از جمله طبق‌بندی جرایم، نحوه دخالت زیان دیده در ایجاد زیان و تعیین حداکثر زیان تا سقف ۲۵۰,۰۰۰ دلار برای هر تجاوز و کل مبلغ پرداختی از صندوق تا سقف ۵۰۰,۰۰۰ دلار. پارلمان به صورت مستقیم بودجه آنرا تعیین می‌کند و زیان‌دیدگان حق دارند به صورت مستقیم علیه صندوق طرح دعوی کنند تا پس از اثبات شرایط خود و بررسی دفاع صندوق در دعوی، حکم شایسته صادر شود.

۲-۲- کنسرسیوم بیمه گران اتومبیل انگلستان

این طرح در سال ۱۹۴۶ و بدنبال تاکید وزیر حمل و نقل بوجود آمد. هدف آن است که بیمه گران مکلف به پرداخت بخشی از درآمد خود به صندوق مرکزی طرح باشند تا از این طریق خسارت زیان‌دیدگانی را که توسط رانندگان بیمه نشده بوجود آمده بود جبران کند. هر حکمی از سوی دادگاه‌ها صادر می‌شود مورد قبول این صندوق است و اعتراض نسبت به آن بعمل نخواهد آمد.

۲-۳- سیستم جبران خسارت غیرتقصیری

تحولات اجتماعی و حقوقی که در زمینه عناصر مسئولیت مدنی بوجود آمد و در برخی از نظام‌های حقوقی منجر به حذف تقصیر گردید به ناچار خود را با سیستم تازه‌ای تطبیق داد. این

زیان دیده باید علیه صندوق طرح دعوی کند و صندوق تمام دفاعیات را در مقابل رفتار زیان‌دیده خواهد داشت. زیان دیده باید ثابت کند هیچ راه جبرانی برای او وجود ندارد. علاوه بر این شرایط دیگری نیز وجود دارد که در هنگام طرح دعوی، اثبات آنها متوجه زیان دیده خواهد بود که ما از این بحث پیرامون آنها فارغ می‌باشیم.

۲-۵- صندوق تامین خسارتهای بدنی

به موجب ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث مصوب ۱۳۴۷/۹/۲۶ "برای جبران زیانهای بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت بیمه نبودن وسیله نقلیه، بطلان قرار دارد بیمه، تعلیق قرارداد بیمه، تعلیق تامین بیمه‌گر، فرار کردن و یا شناخته نشدن مسئول حادثه و یا ورشکستگی بیمه‌گر، قابل پرداخت نباشد یا به طور کلی برای جبران خسارت های خارج از شرایط بیمه نامه (به استثناء موارد مصرح در ماده ۴) صندوق مستقلی به نام صندوق تامین خسارت های بدنی تاسیس می‌شود که به وسیله شرکت سهامی بیمه ایران اداره خواهد شد." اداره این صندوق فعلاً به موجب بند ۶ ماده ۵ قانون تاسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری مصوب ۱۳۵۰ به بیمه مرکزی ایران واگذار شده

سیستم که به دلیل عدم توجه به ارزیابی شخصی یا نوعی افعال زیانبار و عدم تمرکز جهت احراز تقصیر در اوضاع و احوال حادثه، به سیستم جبران غیر تقصیری مشهور است، اکنون طرفداران قابل توجهی دارد. اجمالاً در این طرح، هدف اعمال مسئولیت مدنی نیست بلکه هدف جبران زیان به هر نحو ممکن است و به جای رجوع به شخص مسئول، به مبلغی قابل اعتماد و جمعی مراجعه می‌شود. دیگر به دنبال حقوق و قواعد آن نخواهیم بود بلکه به دنبال بازگرداندن وضع زیان دیده می‌باشیم؛ افراطی ترین طرحی که بی‌گمان در تعارض با حقوق مسئولیت مدنی است و سبب افزایش بی‌مبالاتی‌ها خواهد شد که با تحولات خود، اخیراً تعدیل شده است. فلسفه حاکم بر آن نیازمند بحث دیگری است.

۲-۴- صندوق تضمین خسارت اتومبیل

این صندوق از سال ۱۹۵۱ در فرانسه به وجود آمد تا در موارد بیمه نبودن اتومبیل و متواری شدن مسئول حادثه، خسارت زیان دیده را جبران کند. این صندوق در واقع جایگزین بیمه‌گراست که به شرط تابعیت فرانسوی زیان دیده یا یکی از کشورهای جامعه اروپایی و وجود اقامتگاه او در فرانسه یا کشوری که با فرانسه رفتار متقابل دارد، جبران زیان می‌کند.

۳- تحریر محل نزاع - بیان رویه نادرست

قضایی

در عمل دادگاه ها در صورت حدوث تصادفات رانندگی و متواری بودن مسئول حادثه به طور حکم مستقیم علیه صندوق که جز در موارد خاص منظور همان "صندوق تامین خسارت های بدنی" است، می پردازند. این در حالی است که اولاً دعوی مطروح و پرونده مورد نظر براساس آئین دادرسی کیفری و دعاوی جزایی شکل گرفته و ثانیاً بدون دفاع صندوق صورت می گیرد. ثالثاً صندوق را شریک و یار بیت المال تصور می کنند و به پرداخت مبلغ دیه ابتدا از محل صندوق و سپس از بیت المال اقدام می نمایند رابعاً بعضاً حتی مقید به محدوده و قلمرو صندوق در جبران خسارت نبوده و تعیین سقف مسئولیت صندوق را با توجه به آئین نامه هیأت وزیران، خلاف قانون دانسته اند.

برای نقد این رویه که بنظر خلاف قانون است به بررسی دقایق آن با استفاده از آراء صادر شده دادگاه ها و نظریات نویسندگان می پردازیم.

۴- جایگاه حقوقی صندوق و منابع ارتزاق آن

صندوق در سال ۱۳۴۷ بوجود آمد و مطابق آئین نامه مصوب ۱۳۴۷ منابع درآمد ذیل را خواهد داشت.

است. قانون مورد اشاره از قلمروی عام برخوردار است و "تمام فلسفه وجودی صندوق تامین خسارت های بدنی در همین نکته خلاصه می شود که عامیت قانون به هم نخورد و جز همان کسانی که خود قانون خواسته است به هر علت از این چتر حمایتی استفاده نکنند (مثلاً متصرفین غیرقانونی وسایل نقلیه موتوری یا رانندگان فاقد گواهینامه رانندگی) از مزایای آن استفاده نمایند" زیرا جامعه نمی تواند نسبت به حقوق زیان دیدگان بی تفاوت بماند و صندوق در موارد نیاز، به صرف اثبات ورود صدمه باید به جبران خسارت آنها اقدام کند.

در خصوص ماهیت، هدف، شیوه جبران و میزان تحمل مسئولیت از سوی این صندوق، بحث کمتری شده است. و رویه های غلطی بر نحوه اداره آن و برخورد مراجع قضایی با آن، سبب انحراف این صندوق شده است.

این امر ما را بر آن داشت که به یکی از نتایج نادرست رویه قضایی از این صندوق اشاره کنیم و نشان دهیم که چگونه رویه قضایی به اصطلاح از کیسه خلیفه می بخشد و متوجه رفتار ناصحیح خود نیز نمی باشد.

۱- سه درصد (۳٪) از حق بیمه های دریافتی موضوع قانون سال ۱۳۴۷،

۲- مبلغی معادل حق پرداخت نشده هر وسیله نقلیه موتوری زمینی برای آن مدتی که از اول تیرماه ۱۳۴۸ در زمان اجرای قانون مشمول بیمه بوده و بیمه نشده یا نشود از دارنده وسیله نقلیه،

۳- مبالغی که صندوق پس از پرداخت خسارت به زیاندیدگان بابت خسارت پرداختی و هزینه های متعلقه از مستولات حادثه وصول خواهد کرد. صندوق بیمه گر به معنی مصطلح نیست زیرا اولاً رابطه قراردادی با دارندگان وسایل نقلیه ندارد و ثانیاً حق بیمه ای نیز از آنها دریافت نمی‌دارد و حتی حق مراجعه به دارنده وسیله نقلیه را هم در مواردی دارد. صندوق وظیفه جبران خسارت را نسبت به اشخاص معین در وضعیت‌های مشخصی دارد و پس از اثبات این وضعیت‌ها، با استفاده از مفهوم قائم مقامی می‌تواند برای دریافت خسارت پرداختی به مسئول نهایی مراجعه کند و هزینه‌ها و مبالغ پرداختی را مطالبه نماید. از سوی دیگر صندوق در جایگاهی قرار گرفته است که به لحاظ اهداف خود نمی‌تواند فارغ از اصول حقوقی دیگر و بر مبنای سیستم غیرتقصیری (No-fault)، قواعد مسئولیت

مدنی را کنار نهاده و منبع جبران زیان در هر وضعیتی باشد، به عبارت دیگر شرط تحقق مسئولیت صندوق، احراز ارکان مسئولیت مدنی دارنده وسیله نقلیه موتوری است نه ستواری شدن وی یا شناخته شدن و نظایر آن. این امر ما را به احراز یکی از مهمترین اشتباهات رویه قضایی رهنمون می‌گردد که در ذیل به آن اشاره می‌گردد.

۵- محکومیت صندوق و حذف حق دفاع

اگر تصور نماییم که مفهوم دعوی به معنی "خواستن چیزی به زیان دیگری به رسم منازعه" دارای عناصری است که این عناصر جز با حفظ اصل راهبردی حق دفاع و تناظر تحقق نمی‌یابند، آنگاه می‌توان به قبح محکومیت اشخاص، بدون اعطاء این حقوق به آنها پی برد. توضیح اینکه مفهوم دعوی و آثار حقوقی ناشی از آن دائر بر مدار تنازع و حدوث اختلاف بین اشخاص است که پس طرح نزد دادگاه براساس اصول دادرسی به آن رسیدگی خواهد شد. در این رسیدگی بین اصول و تشریفات تفاوت است: تشریفات دادرسی را می‌توان حذف کرد لیکن اصول قابل خدشه نیست و فرض بر آن است که بعنوان قیود لازم الاجرا و ضروری هر نوع حکم قانون و محکومیت، وجود ندارد. با حفظ این مقدمه اکنون باید به وضعیت صندوق و محکومیت آن بوسیله رویه قضایی، بدون

شناخته شده بود". وقتی در آن روزگار چنین تلقی وجود دارد چرا در این زمان چنین عدالتی مراعات نگردد.

۲- گفته شد در کلیه نظام های حقوقی که طرح های تکمیلی مسئولیت مدنی دارند (نظیر فرانسه یا انگلستان)، زیان دیده باید به طرفیت صندوق مخصوص، اقامه دعوی کند و ارکان ادعای خود را اثبات نماید. همین وضعیت در مورد صندوق موضوع ماده ۱۰ قانون حاکم است. آیا زیان دیده نباید چنین اثبات کند که شرایط و وضعیت قانونی دریافت زیان وارده را دارد و آیا حق صندوق نیست که خلاف ادعای زیان دیده را ثابت کند. اصولاً عدم طرفیت بیمه گر در دعاوی مسئولیت مدنی و ناشناخته ماندن "دعوی مستقیم زیان دیده علیه بیمه گر" سبب تحمیل یک وضعیت غیر منتظره علیه شرکت های بیمه شده است و چون حق مخالفت با آرائی کیفری را نیز ندارند و از سویی به حسن نیت و اصل اعتماد در روابط بیمه ای پایبند می باشند و در مسیر اجرای حکم، مانعی ایجاد نمی کنند، لذا هر بار که بدون دخالت آنها حکمی صادر می شود انواع مختلف حقوق اساسی آنها تضییع می شود و ثباتی بسیار بین طرفین برای مطالبه دیه از بیمه صورت می گیرد. این وضعیت به طریق اولی اقتضا دارد که از صدور

اجازه دخالت در دعوی که با گزارش تصادف رانندگی نزد مراجع قضایی آمده است، پرداخت معمول است که در پرونده های کنونی پس از احراز متواری بودن مسئول حادثه یا شناخته نشدن آن به پرداخت دیه مصدوم یا مقتول از محل صندوق اقدام می شود. برای مثال در یکی از آراء دادگاهها آمده است "چون سعی و تلاش در جهت شناسایی و دستگیری مقصر حادثه منجر به نتیجه مطلوب نشده و خونی از انسان مسلمانی ریخته شده و خون انسان مسلمان نیز محترم است و احترام به آن نیز بهای خون می باشد و فلسفه تاسیس صندوق مندرج در ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث مصوب ۱۳۴۷ نیز علی الظاهر همین است لذا دادگاه... صندوق تامین خسارتهای بدنی مندرج در ماده ۱۰ قانون مورد اشاره مستقر در شرکت سهامی بیمه ایران را ... به پرداخت ... در حق شاکی محکوم می نماید. این روی بطور قطع نادرست است و دلایل آن را می توان به این شرح بیان داشت.

۱- معیارهای مقدماتی عدالت در زمانهای دور وجود داشته و برای مثال در یونان قدیم "محتوی وجوه اصلی عدالت طبیعی مانند" وظیفه استماع گفته های طرفین" به شکل کلی به رسمیت

حکم علیه صندوق اجتناب شود. زیرا در دعاوی معمولی که بیمه‌گر طرف مستقیم حکم نیست و این نتایج منفی به بار می‌آید، به طریق اولی چون صندوق طرف مستقیم و محکوم علیه حکم است، مجبور به تحمل زیان و سکوت نسبت به رأی می‌باشد. بیمه‌گر حداقل می‌تواند به پرداخت خسارت و تعهدات قراردادی در مقابل بیمه‌گذار مبادرت ننماید و با رأی مخالفت کند لیکن صندوق، همین حق را نیز ندارد و اگر به صورت ناشایست محکوم شد، حق اعتراض نخواهد داشت.

۳- حق صندوق است که مطابق آئین نامه مصوب خود، به پرداخت خسارت اقدام کند و حکم محکومیت مستقیم، در هیچ جای مقررات پیش‌بینی نشده است. مطابق ماده ۶ آئین نامه مصوب ۱۳۴۸ " چنانچه خسارت وارده بر اثر حادثه‌ای باشد که مسئول حادثه فرار کرده باشد و یا پس از تحقیقات کافی شناخته نشده باشد، زیان دیدگان می‌توانند ظرف سه ماه از تاریخ وقوع حادثه به صندوق مراجعه و با تسلیم مدارک لازم تقاضای جبران خسارت نمایند" در ماده ۹ این آئین نامه نیز بیان می‌دارد " مقامات انتظامی که به حوادث وسایل نقلیه موتوری زمینی رسیدگی می‌کنند در صورتی که متوجه شوند مسئول حادثه فاقد بیمه نامه موضوع قانون بیمه شخص ثالث است یا

در مواردی که مسئول حادثه فرار کرده یا شناخته نشده باشد موظفند یک نسخه از صورت مجلس و گزارش خود را در مورد حادثه برای اطلاع صندوق ارسال دارند" و ماده ۱۰ نیز بیان می‌کند "صندوق تامین پس از دریافت درخواست غرامت دیدگان و وصول پرونده خسارت و اطلاعیه بیمه‌گر در مورد مطالبه خسارت زیان دیدگان و مدارک و اسناد لازم دیگر مدارک واصله را مورد بررسی قرار می‌دهد و با توجه به مقررات این آئین‌نامه نسبت به پرداخت خسارت اقدام می‌کند." حال با توجه به این مقررات که جملگی با دستور قسمت اخیر ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری تدوین شدند آیا تردیدی در بطلان رویه قضایی و محکومیت مستقیم صندوق باقی می‌ماند. آیا صندوق نباید بر مبنای طبیعی دعاوی، تقاضای اشخاص را رسیدگی و تصمیم بگیرد و در صورت رد این تقاضا، به تقدیم دادخواست علیه آن و مطالبه خسارت از مجرای آئین دادرسی و حفظ حق دفاع خواننده‌ای صندوق اقدام شود؟ علت رسیدگی صندوق نسبت به تقاضای دریافت خسارت چیست؟ آیا در صورت حکم محکومیت مستقیم، اساساً حق رسیدگی وجود دارد؟ آیا حق صندوق نیست که اثبات کند ماده ۱۲ آئین نامه محقق شده است؟ در این ماده می‌خوانیم "در صورتی که

به زیان دیدگان و کمک به آنها در جبران صدمات و زیان های وارده است و حتی قابل مقایسه با مسئولیت مدنی نمی باشد زیرا بنا به فرض مسئول حادثه شخص دیگری است و صندوق با پرداخت خسارت، قائم مقام زیان دیده در رجوع به مسئول می گردد. با توجه به تفاوت اساسی دیه و جبران خسارت صندوق، معلوم نیست علت ادغام آنها و صدور رای مستقی از مجری کیفری علیه صندوق چیست؟ امری که هرگز در حوزه حقوق جزا نیست چرا بطور مستقیم و بدون مراجعه اولیه به صندوق و در صورت امتناع آن همراه با طرح دعوی با تقدیم دادخواست مقرر، مورد حکم قرار می گیرد؟

۵- حضور صندوق در دعوای مستقل، این امکان را می دهد که شرایط تحقق مسئولیت خود را که مورد ادعای زیان دیده می باشد، منتفی اعلام کند. گفته شد در موارد مشخص، باید به جبران خسارت از صندوق اقدام کرد و در این موارد، صندوق حق دارد با اثبات معلوم بودن مسئول حادثه یا شناخته شدن و امکان حضور وی یا اعتراض به نظریات کارشناسی و اثبات تقصیر خود زیان دیده و نظایر آن به رفع مسئولیت خود اقدام کند. نتیجه این است که برای رعایت قانون، زیان دیده باید با تقدیم مدارک خود به صندوق

زیان دیدگان از مراجع دیگری مانند سازمان بیمه های اجتماعی یا سازمان بیمه کارمندان دولت یا صندوق های ویژه جبران خسارت غرامت دریافت نمایند، صندوق غرامتی نخواهد پرداخت و هیچ یک از بیمه گران و سازمان های بیمه ای و صندوق های ویژه جبران غرامت حق مراجعه و تقاضای استرداد خسارت پرداخت شده به اشخاص ثالث را از صندوق تامین خسارت های بدنی ندارند." با صدور حکم مستقیم در پرونده کیفری نه راه اعتراض باز است و نه اثبات این شرایط که مسئولیت صندوق را مرتفع می کند.

۴- یکی از علل اصلی اشتباه رویه قضایی ایران و محکومیت مستقیم صندوق در پرونده کیفری عبارت از تصور وحدت ماهیت "دیه" و "خسارات بدنی" موضوع ماده ۱۰ قانون ۱۳۴۷ می باشد، بی گمان دیه دارای جنبه جزایی نیز می باشد و به هر حال نوعی مجازات برشمرده شده است (هر چند ماهیت حقوقی نیز دارد و در حقیقت آثار هر یک را در خود جمع نموده) لیکن خسارت پرداختنی از سوی صندوق، هرگز به معنای دیه یا هر نهاد کیفری مشابه به آن نیست بلکه نوعی جبران زیان و در حقیقت از آثار "دولت با رفاه اجتماعی و تضمین اجتماعی" می باشد و فلسفه آن همچنانکه گفته شد اعاده وضع

مطالبه خسارت کند و در صورت عدم تمکین صندوق به تقدیم دادخواست علیه آن مطابق مقررات اقدام نماید. در این راه تمام حقوق خواننده دعوی برای صندوق وجود دارد زیرا در این زمان مانند هر مدیون ممتنعی است که به هر دلیل دین خود را ایفا ننموده و چارهای جز رجوع به دادگاه و مطالبه وجود بابت "خسارت" و نه هر عنوان دیگر، وجود ندارد.

با این توضیح، تمام دادنامه های صادره از دادگاه جزایی که به صورت مستقیم، صندوق را محکوم نمودند (۱۱ نمونه از این آراء در اختیار اینجانب است) فاقد مبنای تحلیلی و نوعی رویه ناصحیح و تضییع حقوق بیت المال است.

۶- صندوق و بیت المال

یکی دیگر از موارد بطلان رویه قضایی، مقایسه صندوق و بیت المال به عنوان دو منبع پرداخت خسارت و دیه قتل می باشد.

توضیح اینکه در قانون مجازات اسلامی براساس فقه امامیه، برای رعایت حرمت خون مسلمان (لا یطل دم امرء مسلم) هر گاه انسان مسلمان کشته شود و به قاتل دسترسی نباشد، دیه قتل از بیت المال پرداخت می شود (مواد ۲۵۵، ۲۶۰، ۳۱۳ و تبصره ماده ۲۴۴ قانون مجازات اسلامی) بموجب ماده ۱۰ قانون ۱۳۴۷ نیز هر گاه

مسئول حادثه فرار کند یا شناخته نشود، خسارت از صندوق پرداخت می شود.

این موارد به ظاهر هیچ تعارضی با یکدیگر ندارند و هر یک در محل خود اجرا خواهند شد. ولی این نتیجه مورد اقبال رویه قضایی نیست و بدون توجه به تفاوت جوهری آنها و جایگاه یا شخصیت حقوقی هر یک، قلمرو آنها را ادغام و مخلوط و در حقیقت آشفته نموده است. بسیار دیده شده در تصادفات رانندگی که منجر به قتل شخصی می شود، رویه قضایی دیه مقتول را به صورت طولی (یعنی ابتدا صندوق و نسبت به مازاد تعهد صندوق، بیت المال) یا به نحو عرضی (صندوق یا بیت المال به صورت مستقل) عهده صندوق و بیت المال قرار می دهد بدون اینکه از خود سوال کند موقعیت حقوقی ایندو چگونه است؟ آیا انتخاب آنها بدست قاضی است؟ آیا با وجود بیت المال که پس از انقلاب و با حاکمیت قواعد فقهی دیات بوجود آمده، صندوق موضوع ماده ۱۰ در این موارد فاقد الزام است و در حقیقت حکم آن در این موارد نسخ شده می باشد؟

قبل از پاسخ به این سوالات و روشن نمودن مبنای نادرست رویه قضایی، لازم است اشاراتی به برخی از آراء صادره در این خصوص داشته باشیم. اول: محکومیت طولی: بدین نحو که در مورد

۳۱۳ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه رأی به پرداخت دیه متوفی توسط صندوق تامین خسارت های بدنی زیر نظر بیمه مرکزی ایران و مابه التفاوت کسری دیه کامل مرد مسلمان از صندوق بیت المال در حق اولیاء دم صادر و اعلام می نماید."

دوم محکومیت عرضی:" در خصوص گزارش مامورین مبنی بر قتل غیر عمدی مرحوم ... بر اثر بی احتیاطی در امر رانندگی و متواری شدن راننده خودرو... دادگاه ضمن احراز وقوع جرم مستنداً به مواد ۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری دارندگان وسایل نقلیه موتوری در قبال اشخاص ثالث، بیمه مرکزی ایران مکلف به پرداخت یک دوم دیه کامله مرد مسلمان در حق اولیا دم متوفی نمایند."

صرف نظر از نگارش نادرست قسمت اخیر رای و استفاده از فعل جمع و عدم تناسب فعل "نمایند" با فاعل جمله، مشخص می گردد که این دادگاه تمام دیه متوفی (زن) را عهده صندوق قرار داده است.

۷- تحلیل مساله و بیان اشتباه رویه قضایی

برای تبیین این بحث لازم است به مقایسه ای میان صندوق و بیت المال بپردازیم.

قتل ناشی از تصادف رانندگی ابتدا صندوق محکوم شده است و بدنبال آن بیت المال. "تصادفی در ... قم ... به وقوع پیوسته و موتورسیکلت سوار بلافاصله محل را ترک و متواری می گردد و عابر ... به علت ضربه مغزی و عوارض ناشی از آن فوت می نماید. سعی دادگاه جهت شناسایی متهم حادثه به نتیجه نرسیده علی هذا دادگاه با احراز حدوث حادثه و فوت مرحوم به لحاظ عدم شناسایی متهم اولیا دم می توانند به استناد ماده ۱۰ قانون بیمه به صندوق بیمه مرکزی ایران جهت دریافت دیه مراجعه و چنانچه به علت عدم کفایت و جبران پرداختی از سوی بیمه مرکزی اولیاء دم می توانند باقیمانده دیه را مستنداً به ماده ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی از بیت المال دریافت نمایند." صرف نظر از ایراد به رای از حیث ذکر ماد ۱۰ قانون بیمه به جای قانون مصوب ۱۳۴۷، این رای تا جایی که مستلزم محکومیت صندوق نیست بلکه حق مراجعه به آنرا اشاره می کند صحیح است اما قسمت دوم که بیانگر ادغام صندوق و بیت المال است دارای ایراد می باشد که در ادامه خواهد آمد.

"در خصوص اعلام بستگان آقای ... مبنی بر اینکه نامبرده در خیابان در اثر تصادف از بین رفته ... با توجه به اینکه شخص مقصر در تصادف شناسایی نگردیده دادگاه به استناد مواد

با بررسی تحلیلی می‌توان به نکات ذیل نائل آمد:

۱- درحالی که صندوق "خسارت" یا زیان بدنی را جبران می‌کند، بیت المال "دیه" مقتول را می‌پردازد.

۲- صندوق منحصر در حوادث رانندگی است ولی بیت‌المال قلمروی عام دارد و قتل ناشی از هر حادثه‌ای را در برمی‌گیرد.

۳- بیت‌المال دیه قتل را با یکی از شرایط ذیل می‌پردازد. عدم دسترسی به قاتل و شناخته نشدن او - فرار قاتل - عجز از اثبات قتل در قسامه و انحلال اماره لوث. ولی صندوق علاوه بر فرار مسئول حادثه یا شناخته نشدن آن، به هنگام حضور او و بیمه نبودن یا بطلان یا تعلیق قرارداد بیمه یا تعلیق تامین بیمه گ ر یا ورشکستگی او، به پرداخت مبادرت می‌کند.

۴- بیت المال متولی پرداخت دیه "قتل" است و همانطور که در ادامه خواهد آمد غیر از آن قابل پذیرش نیست ولی صندوق صدمات بدنی را نیز شامل می‌شود.

۵- تحقق ماده ۱۰ قانون و مسئولیت صندوق منوط به احراز و اثبات مسئولیت عامل صدمه و شخص متواری است. به عبارت بهتر باید شخص دیگری مسئول باشد تا صندوق جبران کند. لیکن مسئولیت بیت‌المال نیازی به "اثبات

مسئولیت" قاتل فراری و شناخته شده ندارد و به محض تحقق قتل و "مردد بودن" بین مشروعیت این قتل (مثلاً بدلیل دفاع مشروع) یا نامشروع بودن آن و عدم احراز مشروعیت آن، مستقر خواهد شد. به تعبیر دیگر "مشروع بودن" قتل مانع تحقق مسئولیت بیت المال نیازی به "اثبات مسئولیت" قاتل فراری و شناخته شده ندارد و به محض تحقق قتل و "مردد بودن" بین مشروعیت این قتل (مثلاً بدلیل دفاع مشروع) یا نامشروع بودن آن و عدم احراز مشروعیت آن، مستقر خواهد شد. به تعبیر دیگر "مشروع بودن" قتل مانع تحقق مسئولیت بیت‌المال است. مثلاً ممکن است قتل از روی دفاع مشروع صورت گیرد ولی قاتل متواری گردد. در این حالت اگر دفاع مشروع ثابت شد مسئولیت منتفی است ولی اگر دفاع مشروعی به اثبات نرسید و در عین حال، غیر قانونی بودن قتل نیز مدلل نگردید، بیت‌المال باید دیه را پرداخت کند ولی صندوق در صورت تردید در مشروع یا نامشروع بودن صدمه و قتل، مسئولیتی ندارد و تنها با اثبات نامشروع بودن آن (و تحقق مسئولیت شخص اصلی) مسئول خواهد بود.

۶- یکی دیگر از تفاوت های صندوق بیت‌المال در مسأله تغلیظ دیه است که در خصوص بیت‌المال، بعضاً پذیرفته می‌شود لیکن در مورد

مسئولیت پیدا کند و قرارداد بیمه نیز باطل شد یا به حالت تعلیق درآید. در این مورد از یکسو بیت‌المال به لحاظ ماده ۳۱۴ و صندوق به لحاظ ماده ۱۰ مسئولیت دارند و به نظر می‌رسد در چنین فرضی باید اصل را بر مسئولیت بیت‌المال قرار داد. درست است که مسئولیت بیت‌المال خلاف اصل می‌باشد لیکن این مورد از مصادیق قاعده مذکور (خلاف اصل بودن مسئولیت بیت‌المال) نیست. علت این است که اولاً ظهور ماده ۱۰ بر زیان بدنی و جبران خسارت ناظر بر غیر قتل است یا حداقل در مورد قتل، باید قذر متیقن آنرا در نظر گرفت. ثانیاً بیت‌المال به لحاظ عدم محدودیت سقف تعهد و پذیرش تفریط دیه در آن، اولی از صندوق است.

۸- صدمات بدنی و بیت‌المال

آیا بیت‌المال تنها در صورت قتل و عدم دسترسی به قاتل عهده‌دار دیه می‌باشد یا علاوه بر قتل صدمات بدنی دیگر را نیز پوشش می‌دهد؟ در فقه، اکثریت قاطع پاسخ منفی دادند و تنها یکی از فقهای معاصر چنین بیان داشته که "در صورت عدم امکان استیفاء از ضارب، حاکم می‌تواند از بیت‌المال پرداخت کند." در قانون مجازات اسلامی نیز پاسخ منفی است زیرا پرداخت دیه از بیت‌المال، امری خلاف اصل می‌باشد که

صندوق قابل پذیرش نیست با عنایت به وجوه تمایز صندوق و بیت‌المال، اقدام رویه قضایی در محکومیت هم زمان (عرضی - طولی) صندوق یا بیت‌المال صحیح نیست و باید توجه داشت منابع مالی که صندوق یا بیت‌المال را پوشش می‌دهد، در قانون مشخص شده و از هم جدا می‌باشند. در قانون بودجه هر سال مبلغ معینی برای پرداخت دیه در موارد قانونی تخصیص می‌یابد در حالی که منبع مالی صندوق همانطور که سابقاً بیان شد، مستقل و جداست. بنابراین چگونه می‌توان به اختیار، مسئولیت را عهده صندوق یا بیت‌المال قرار داد و در حقیقت نظم مالی آنها را به هم ریخت. به این ترتیب با توجه به مقررات عام دیات و شمول آن نسبت به دیه کامل و نیز محدودیت تعهد صندوق، باید گفت در هر مورد که قتلی صورت می‌گیرد و به قاتل دسترسی نیست، بیت‌المال عهده‌دار پرداخت است و صندوق مسئولیتی ندارد. ولی صندوق در سایر موارد مسئول است در حالی که بیت‌المال، تعهدی ندارد (نظیر بطلان قرارداد بیمه یا ورشکستگی بیمه‌گر). تنها فرض مورد تردید هنگامی است که در قتل ناشی از تصادف رانندگی، در عین اینکه متهم حضور دارد و ابتدائاً بیت‌المال مسئولیتی ندارد، لیکن بدلائل دیگر نظیر تحقق ماده ۳۱۴، بیت‌المال متعاقباً

تنها در قتل آن هم با شرایطی تجویز شده است و صدمات بدنی هیچ تفاوتی نسبت به سایر صدمات و ناشناخته بودن مرتکب ندارد. علاوه بر آن از قاعده لاضرر نیز چنین استنباطی نشده است. میرزا نائینی و شیخ موسی خونساری نیز به صراحت اعلام می‌کنند اگر قاعده لاضرر بتواند وجود حکمی را ثابت کند، لازم می‌آید که فقه جدیدی تأسیس شود و هر خسارت از بیت‌المال یا از مال اغنیا تدارک گردد. اما رویه قضایی در اینجا نیز بدون تحلیل اصولی به راه نادرست خود می‌رود و برای پرداخت صدمات بدنی در صورت عدم دسترسی به عامل صدمه، بیت‌المال را ترجیح می‌دهد. برای مثال در یکی از آراء دادگاه‌ها آمده است: "در خصوص اتهام راننده متواری و ناشناس ... دایر بر ایراد صدمه بدنی غیر عمدی ناشی از بی‌احتیاطی در امر رانندگی ... در اجرای ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث و ماده ۶ آئین نامه صندوق تامین خسارت‌های بدنی و ملاک ماده ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی و مواد ۳۶۷، ۴۹۵، ۴۴۲ و تبصره ۲ ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مجموعاً پرداخت دو فقره $\frac{4}{5}$ از $\frac{1}{5}$ از $\frac{1}{2}$ دیه کامل و نیز سه درصد دیه کامل از محل صندوق تامین خسارت‌های بدنی

در محدوده تعهدات مالی مصوب در حق ... به عهده شرکت بیمه مرکزی ایران می‌باشد و ذی‌نفع می‌تواند جهت وصول مابه‌التفاوت دیه و ارزش معینه و مازاد تعهدات مالی مصوب صندوق تامین خسارت‌های بدنی از محل بیت‌المال وفق مقررات اقدام نماید." در رای دیگر نیز با بیان این که با "وحدت ملاک ماده ۲۵۵ قانون مجازات بیت‌المال باید مازاد خسارت را بپردازد." به تحمیل دیه صدمه بدنی عهده بیت‌المال مبادرت نموده است. دادگاه متوجه نیست که از امور خلاف اصل نمی‌توان ملاک گرفت و با استناد به وحدت طریق یا ملاک، امر استثنایی را گسترش داد اگر خون مسلمان محترم است مال او نیز محترم است. چرا در مسائل و زیان‌های مالی که دسترسی به عامل زیان ممکن نیست یا قادر به پرداخت زیان نیست، از بیت‌المال گرفته نمی‌شود؟ پاسخ روشن است. دلیلی ندارد بداقبالی و حوادث روزمره، جملگی بر بیت‌المال تحمیل شود. زندگی اجتماعی قواعد خود را دارد و هیچ کس به صورت مطلق، بیمه بیت‌المال نیست.

۹- سقف تعهدات صندوق و تحمیل ناروی

رویه قضایی

مطابق قسمت اخیر ماده ۱۰ قانون مصوب ۱۳۴۷ "سازمان، وظایف و صلاحیت صندوق تامین خسارت‌های بدنی به موجب آئین‌نامه‌ای خواهد

آن نیز در مواردی پیروی نمی‌کنند بلکه دولت برای گسترش عدالت اجتماعی و توزیعی و حمایت از نیروی انسانی خود، در آخرین مرحله، آنهم در عمدترین حادثه زیانبار یعنی حوادث رانندگی، اقدام به تاسیس این نهاد حقوقی می‌کند و منظور، پاسخ به تمام نیازها و ضروریات نیست. ثانیاً در کشورهای دیگر عیناً همین وضعیت وجود دارد و تعیین سقف تعهدات طرح‌های تکمیلی بیمه مسئولیت، در اختیار دولت می‌باشد ثالثاً تعیین میزان صلاحیت و حدود وظیفه صندوق مطابق ماده ۱۰، از لوازم اختیار تام وضع‌کننده آئین‌نامه است که با توجه به منابع درآمد دولت به تعیین سقف تعهدات اقدام می‌کند. بنابراین وریه قضایی باید در این جهت حرکت کند و نظم عمومی مالی و بودجه‌ای دولت را دچار اختلال ننماید.

۱۰- رویه قضایی در دادسرا

با بررسی آراء صادره از دادگاهها نمی‌توان بدرستی متوجه شد که پرونده مربوط به حوادث رانندگی چگونه از دادسرا به دادگاه ارسال و منتهی به صدور رای از محل صندوق شده است. مطابق تبصره ۳ ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ۱۳۸۱، در برخی جرایم، دادسرا حق ورود و انجام تحقیقات را جز در موارد استثنایی ندارد و سایر موارد وظیفه

بود که به وسیله شرکت سهامی بیمه ایران تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید." آیا تعیین سقف تعهدات صندوق از سوی هیأت وزیرانی که در آخرین مصوبه خود (شماره ۲۲۷۸۰/ت ۲۹۹۸۵ هـ مورخ ۸۳/۷/۲۲ روزنامه رسمی شماره ۱۷۳۷۵ مورخه ۸۳/۷/۲۹) معادل هشتاد میلیون ریال مقرر شد، قانونی است؟ تصور عده ای این است که با توجه به عموم ماده ۱۰ و اطلاق آن نسبت به "جبران زیانهای بدنی وارد به اشخاص ثالث" یا "جبران خسارتهای خارج از شرایط بیمه‌نامه" و ماده ۶ قانون مذکور که پرداخت کلیه خسارات را مقرر داشته و در مورد دخالت صندوق، در حقیقت جانشینی صندوق را به جای بیمه‌گر مقرر کرده‌اند، محدودیت پرداخت خسارت فاقد وجاهت است و صندوق مکلف به جبران کامل زیان وارد می‌باشد و چون مطابق اصل ۱۷۰ قانون اساسی، آئین‌نامه خلاف قانون قابل اجرا در دادگاه نیست لذا این محدودیت از سوی دادگاه‌ها قابل ترتیب اثر نخواهد بود. این عقیده صحیح نیست و بدون دقت در وضعیت حقوقی صندوق و تحلیل ماهیت طرحهای تکمیلی بیمه مسئولیت مدنی و تحولات پیشرفته در نظام‌های مسئولیت، ابراز شده است. اولاً هدف از این طرحها، رقابت کامل با مسئولیت مدنی نیست و اساساً از قواعد

انجام تحقیقات و صدور کیفرخواست در صورت احراز جرم، عهده این نهاد می باشد.

با توجه به مقبرات این قانون، مخصوصاً ماده ۱۴ که نحوه رسیدگی دادگاه عمومی جزایی را پیش بینی می کند و مقرر می دارد این دادگاه فقط به جرایم مندرج در کیفرخواست رسیدگی می کند، این سوال مطرح می شود که در فرض ناشناس بودن راننده مقصر و مسئول حادثه چگونه می توان به صدور کیفرخواست مبادرت ورزید؟

می دانیم کیفرخواست باید حاوی نام و مشخصات متهم باشد ولی این امر در فرض ما قابل تصور نیست بنابراین تکلیف دادسرا در این موارد چیست و چگونه پرونده مختومه گردد؟ در این خصوص، رویه قضایی بدون کیفرخواست اقدام به ارسال پرونده به دادگاه، پس از انجام تحقیقات و یأس از یافتن متهم، می کند. این رویه تا حدی که متضمن پرداخت دیه از بیت المال است صحیح به نظر می رسد زیرا از سوی امکان عقلی صدور کیفرخواست ممتنع است و دادسرا نیز خود حق صدور حکم پرداخت دیه از بیت المال را ندارد. لذا نتیجه منطقی این است که پرونده به دادگاه ارسال شود تا پرداخت دیه از بیت المال را مورد حکم قرار دهد. لیکن این اقدام در فرض صدمات بدنی و ناشناس بودن مسئول حادثه، صحیح نیست

زیرا اولاً گفته شد که دادگاه به صورت مستقیم حق صدور حکم علی صندوق را ندارد ثانیاً چنین صدماتی نیز از سوی بیت المال قابل پرداخت نیست و اساساً دادگاه در این موارد حق دخالت نخواهد داشت.

در این موارد، همانطور که در جرایمی نظیر تخریب، سرقت، متهم شناسایی نمی شود و پرونده تا انجام تحقیقات نهایی و یافتن او در دادسرا مفتوح است، باید از ارسال پرونده به دادگاه خودداری کرد و آنرا مفتوح نگهداشت. بنابراین صدور برخی آراء از دادگاه عمومی جزایی استان تهران که در این نوشتار به آنها اشاره شد، به این دلیل که دادسرا در این استان تشکیل شده و بدون کیفرخواست حق رسیدگی ندارد خلاف قانونی می باشد مگر اینکه این آراء در اجرای تبصره ۴ ماده ۳ قانون مورد اشاره، اصدار یافته باشند. در پایان اشاره به این نکته مفید خواهد بود که رویه ناصحیح قضایی به حدی گسترش یافته که حتی مسئولان اداره صندوق نیز انتظار اجرای آن را از سوی مراجعی که با تحلیل دقیق علمی و قانونی خود را به این رویه باطل، پای بند نمی دانند، دارند.

برای مثال معاون این صندوق در نامه شماره

نوشته شده است "با توجه به اینکه
 $\frac{25825}{83/9/1}$

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران، صص ۵۴ الی ۶۰.

۴- دکتر ناصر کاتوزیان، *الزامهای خارج از قرارداد*، جلد اول، مسئولیت مدنی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ص ۸۹۵.

۵- دکتر ناصر کاتوزیان، ص ۵۹۸.

۶- برای ملاحظه این دعوی مراجعه شود به پایان نامه نگارنده، صص ۱۲۶ الی ۱۵۳ و نیز رجوع شود به مقاله "اجرای حقوق و اقامه دعوی به‌کار بوسیله طلبکاران" او^۱ که ترجمه بخشی از کتاب "تهدیدات" استارک نویسنده فرانسوی توسط نگارنده می‌باشد. فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، نشریه دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره ۲۸ و ۲۹، صص ۴۹ الی ۸۰.

۷- دکتر ایرج علی آبادی، *صندوق تلمین خسارت‌های بدنی*، فصلنامه بیمه مرکزی ایران، شماره چهارم، سال دوم، ص ۷.

۸- دکتر کاتوزیان و همان، صص ۲۰۷ الی ۲۰۸.

۹- دکتر ایرج علی آبادی، همان.

۱۰- دکتر جانعلی - محمود صالحی، *حقوق زیان‌دهندگان و بیمه شخص ثالث*، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۸۲.

۱۱- دکتر ایرج بابایی، *حقوق بیمه انتشارات سمت*، چاپ اول، ۱۳۸۲، در این کتاب که للتظافر تفصیل در خصوص صندوق تلمین خسارت‌های بدنی وجود داشت، دو صفحه

گرامت دیه جرح توسط این صندوق با استناد به رای صادره از دادگاه انجام می‌شود، خواهشمند است دستور فرمایید طبق وحدت رویه محاکم قاضی، آن دادگاه محترم نسبت به صدور رای اقدام مقتضی مبذول نمایند.^{۱۱} جا دارد مسئولان بیمه ای و متخصصان امر، با گسترش مباحث علمی بیشتر و دقیق‌تر راه بر چنین رویه‌هایی مسدود نمایند نه اینکه آب به آسیاب آن بریزند. عدم شناخت حقوق بیمه در ایران جز خسران و زیان برای شرکت‌های بیمه و نهادهای مشابه و نهایتاً بیت‌المال ندارد.

وژگان کلیدی:

صندوق تلمین خسارت های بدنی، قتل غیرعمدی، دیه

شبه جرم، رویه قضایی

منبع فارسی:

۱- روزنامه ایران در تاریخ ۸/۱/۲۵ اعلام کرده بود که در ۱۰ روز اول سال ۵۵۰ جسد روی جاده بدلیل تصادف مشاهده شده است.

۲- دکتر ناصر کاتوزیان و مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰، ص ۵۹.

۳- برای ملاحظه این نظامها رجوع شود به تأثیر بیمه در حقوق مسئولیت مدنی، پایان نامه نویسنده در مرحله

- مختصر از آن یاد شده است.
- ۱۲- روزنامه رسمی شماره ۷۳۳۸ مورخه ۱۳۴۹/۱/۳۱
- ۱۳- دکتر ابرج علی آبدی همان ص ۸
- ۱۴- دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی دانشنامه حقوقی جلد دوم موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم تهران ۱۳۷۶. ص ۴۹۷
- ۱۵- همان ذیل عنوان "دعوی". همچنین رجوع شود به همان نویسندم دایرةالمعارف علوم اسلامی قضایی جلد اول کتابخانه گنج دانش، چاپ سوم تهران ۱۳۸۱، ص ۵۶۹.
- ۱۶- دکتر عبدالله شمس آئین دلداری مدنی جلد سوم نشر میزان، چاپ اول تهران ۱۳۸۱، ص ۱۳۱، ۱۳۴
- ۱۷- دعوی بلامنازع که در فقه و قانون مدنی وجود دارد دارای احکام و بژطی است که سبب خدشه به اصل بیان شده نخواهد بود. رجوع شود به همان نویسندم ذیل عنوان دعوی بلامنازع
- ۱۸- دلدنامه شماره ۷۶۱-۸۳/۴/۱۸ در پرونده شماره ۸۳/۵۶۸ شعبه دوم دانشگاه عمومی کامیاران
- ۱۹- جان کلی، تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب ترجمه دکتر محمد راسخ، نشر طرح نو، چاپ اول تهران ۱۳۸۲، ص ۷۳.
- ۲۰- نتایج منفی عدم پذیرش دعوی مستقیم آنچنان است که نگارنده طرح مفصل و مدونی را با عنوان "تضمین حقوق بیمه گر از طریق دخالت وی در دعاوی مسئولیت مدنی" آماده و به بیمه مرکزی ایران تقدیم نموده است.
- ۲۱- دکتر ناصر کاتوزیان، مسئولیت مدنی، ص .
- ۲۲- دلدنامه شماره ۳۰۹-۸۳/۵/۶ شعبه ۱۱۶ دلدگاه جزایی قم در پرونده شماره ۲۸۴/۱۱۶/۸۳
- ۲۳- دلدنامه شماره ۸۰۷ مورخه ۸۳/۴/۳۰ شعبه ۳۷ دلدگاه عمومی شبیراز، پرونده شماره ۳۷/۸۳/۴
- ۲۴- دلدنامه شماره $\frac{۹۵۴}{۸۳/۷/۲۰}$ شعبه ۱۰۵ دلدگاه عمومی جزایی شهر ری پرونده شماره ۱۴۶/۱۰۵/۸۳
- ۲۵- مجموعه نظریات مشورتی فقهی در امور کبفری جلد اول، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه مرکز تحقیقات فقهی، چاپ دوم ۱۳۸۲، تهران ص ۱۴۸
- ۲۶- آیت الله العظمی بهجت همان منبع
- نقل از دکتر ناصر کاتوزیان همان منبع، ص ۱۵۴
- ۲۷- دلدنامه شماره ۱۹۷۶-۸۳/۷/۱۱ شعبه پنجم دلدگاه عمومی قرچک پرونده شماره ۵/۱۳۶۹/۸۳
- ۲۸- دلدنامه شماره ۱۲۵-۸۳/۷/۳ شعبه دوم دلدگاه عمومی تنکابن، پرونده کلاسه ۲/۱۱۱۹/۸۲
- ۲۹- اقلیت قضات دلدگستری استان تهران در جلسه مورخه ۸۷/۳/۲ کمیسیون ماهانه حقوقی و قضایی چنین عقیدتی داشتند، نقل از مجموعه دیدگاههای حقوقی و قضایی قضات دلدگستری استان تهران و مروری برگزیده قوانین و مقررات سال ۱۳۸۱، جلد سوم نشر اشرافیه چاپ اول ۱۳۸۲، ص ۵۸

منبع انگلیسی:

1- *Tunc, Andre, Towards a European civil code, kluwer law International, second Revised and expanded, London, 1988, P.464*

2- *"The outomobile should pay its way through society" Tune Andre, op. cit, P.462. insurance insurer*

3- *l'action directe contre l'assureur de la Responsabilite*

4- *Schems complementary to compulsory insurance*

5- *Lunney mark. oilphant ken, Tort law, Text and materials, oxford university press, London, 2000, P.798.*

6- *Rogres. W. V. H, Winfield and jolowicz on tort, 10th edition, London, 1976, P.6. Ibid*

7- *The motor insurer's Bureau Lunney mark. Oliphant ken, op.cit, P.26.*

NO-fault systeme for compensation

Ibid, PP. 795-796.